



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در هر بحثی ما باید به کلمات فقهاء دقت کنیم، فقه ما مأخوذ از آیات قرانی و احادیث اهل بیت علیهم السلام می باشد لذا بعد از توجه به آیات قران و احادیث اهل بیت علیهم السلام دقت در کلمات فقهاء بسیار لازم می باشد، صاحب جواهر در صفحه ۳۵۲ از جلد ۲۱ جواهر ۴۳ جلدی و در اول کتاب امر به معروف و نهی از منکر چند آیه از قران را ذکر کرده که خواندیم و بعد ایشان شروع به نقل روایات کرده و اخبار بسیاری را در اهمیت و تاثیر امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرده به طوری که با دقت در این روایات مسلم می شود که اهل بیت علیهم السلام و شارع مقدس می خواسته "خیر اُمة" را ترتیب بدهد و یک مجتمع صالحی را بوجود بیاورد و یک جو اسلامی ایجاد کند که در آن همه ارزش ها و معروف ها برقرار اند و ترک نمی شوند و همه منکرات ترک شده اند خلاصه مفاد تمام آیات و روایاتی که ایشان ذکر می کنند همین است که عرض شد و در یکی از آن روایات اینطور ذکر شده: "فريضة عظيمة بها تقام الفرائض، وتأمين المذاهب، وتحل المكاسب، وترد المظالم، وتعمر الأرض، وينتصف من الأعداء، ويستقيم الأمر" که تمام این موارد هفتگانه جمع محلی به الف و لام هستند و افاده عموم می کنند.

فقهاء دیگر مثل علامه در منتهی و شرایع و تذکره و قواعد نیز در اول بحث امر به معروف و نهی از منکر آیات و روایاتی را ذکر می کنند که یستفاد از آنها که یک مجتمع صالح و یک جو صد در صد اسلامی در سایه این فريضة بوجود خواهد آمد.

در ادامه بعد از چند صفحه تورق به شروط وجوب می رسیم که در آن چهار شرط ذکر شده:

اول اینکه امر باید عالم به معروف و منکر باشد تا ایمن از غلط باشد زیرا اگر عالم نباشد ممکن است امر به منکر و نهی از معروف کند و بر جاهل واجب نیست و این شرط وجوب است نه شرط واجب.

دوم اینکه احتمال تاثیر بدهد در غیر اینصورت واجب نیست.

سوم اینکه شخصی که مرتکب منکر می شود و همچنین شخصی که معروفی را ترک می کند در کار خودشان استمرار دارند و پشیمان نمی شوند.

چهارم اینکه مفسده ای در میان نباشد یعنی به جان و مال خودش و مسلمانان دیگر ضرری نرسد.

خب حالا اگر ما این چهار شرط را لحاظ کنیم کلاً امر به معروف و نهی از منکر به این عظمت خنثی و تعطیل خواهد شد، از طرفی در اول کتاب آیات و روایات فراوانی در عظمت فريضة امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده و آن را خیلی بزرگ و مهم و موثر جلوه می دهند و نتیجه آن را تحقق یک مجتمع صالح و خیر امة می دانند و همین طور هم هست و شارع مقدس نیز همین مد نظرش می باشد اما وقتی شروط را ذکر کرده اند مطلب خیلی پایین آمده و کوچک شده و تا مرز تعطیلی پیش می رود لذا ما این اشکال را در کلمات فقهاء مثل صاحب جواهر و علامه و محقق و شهیدین می بینیم بنابراین وقتی به کلمات فقهاء مراجعه می کنیم می بینیم که بعضاً با آیات و اخبار تطابق و هماهنگی ندارد.

امام رضوان الله علیه در تحریرالوسیله مقداری با توجه به مطالبی که عرض شد پیش آمده و فرموده بله اگر نمی داند باید برود یاد بگیرد و اگر احتمال تاثیر نیست باید ببیند چرا موثر نیست چون گاهی یک نفر

می گوید و اثری ندارد اما گاهی همه می گویند و موثر می شود، از طرفی جهاد یکی از معروف ها می باشد که با آن می خواهیم به جنگ دشمنان برویم که خب مسلماً حرج و ضرر و مشکلاتی در آن وجود دارد بنابراین آنطور که صاحب جواهر و دیگران گفته اند با آیات و روایات سازگار نیست و همخوانی ندارد بالاخره اشکال بنده این است که هیچ همخوانی بین آیات و روایاتی که فقهاء ما در اول کتاب ذکر کرده اند با آنچه که به عنوان شرائط وجوب ذکر کرده اند وجود ندارد، در تفاسیر ما نیز همین طور است مثلاً در تفسیر صافی در تفسیر آیات سوره آل عمران "کنتم خیر امة" همین حدیث مسعدة که ما گفتیم سنداً و مضموناً اشکال دارد را ذکر کرده و امر به معروف و نهی از منکر را بسیار کمرنگ نشان داده البته آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیرشان اینطور نگفته اند بنابراین یکی از اشکالات ما این است که باید بین آیات و روایات و فقه همخوانی وجود داشته باشد.

مطلب دیگر اینکه گفتیم جلد ۲۱ از دفتر تبیان که فرمایشات امام رضوان الله علیه می باشد مربوط به امر به معروف و نهی از منکر است و جلد ۳۶ مربوط به نقش مردم در مسائل مختلف و خصوصاً امر به معروف و نهی از منکر می باشد که ما بعداً نمونه هایی از نقش مردم را بیان خواهیم کرد.

سوره توبه بسیار عجیب است اول سوره برائت از مشرکین و معرفی آنها بیان شده و بعداً جهاد و اهمیت آن و مسائل جنگ تبوک ذکر شده به صورتی که در یک کفه ترازو آباء و ابناء و إخوان و همسران و عشیره و اموال و تجارت و منازل و در یک کفه ترازو الله و رسول و جهاد قرار داده شده و باید این کفه جهاد بر آن کفه دیگر بچرید و همینطور درباره جهاد و جنگ تبوک مطالبی بیان شده تا آخر که ذکر شده چند نفر

من جمله کعب بن مالک و مرارة بن ربیع با بهانه های مختلف برای جهاد نرفتند و سستی بوجود آوردند، پیغمبر رفتند و جنگ تبوک که بسیار سخت بود را انجام دادند و یک ماه طول کشید و بعد برگشتند و وقتی که برگشتند مردم برای استقبال حضرت آمدند و حضرت فرمودند هیچ کس با اینها حرف نزند و هیچگونه ارتباطی با آنها نداشته باشد که این خودش درس بزرگی است برای ماست که حضرت در واقع یک حرکت مردمی ایجاد کردند و حتی زحمای آنها نزد حضرت آمدند و گفتند ما چه کنیم حضرت فرمودند فقط غذا ببرید به آنها بدهید و هیچ حرفی با آنها نزنید، خلاصه مدتی همینطور بودند تا اینکه از شهر خارج شدند و به یک بیابانی رفتند و بعد خودشان نیز از هم جدا شدند و هر یک به گوشه ای رفتند و بعد توبه کردند و وقتی توبه کردند جبرئیل آمد و به پیغمبر خبر توبه کردن آنها را داد، خب این یک درس بزرگی برای ما می باشد.

امام رضوان الله علیه در جلد ۲۱ دفتر تبیان هم معروف ها و منکرها را لیست و بیان کرده مثلاً تشکیل مجامع دینی و دفاع از فلسطین و زنده نگه داشتن ۱۵ خرداد و پاسداری از عدالت و راه انداختن کار مردم و آزادی خواهی و استقلال طلبی و ارشاد دولت و مسئولان و حجاب و ... برخی از معاریفی هستند که ایشان ذکر کرده و اما کشتار مسلمین و رفع حجاب و نفی حکم قران و تسلط یهود و تسلط بهائیت و کاپیتولاسیون و مسلط کردن اجانب بر مردم و تغییر تاریخ اسلام و مسلط کردن آمریکائیها بر ملت و تاراج اموال ملت و ... برخی از منکراتی هستند که ایشان بیان کرده اند که لازم است ما برخی از آنها را مورد بحث قرار بدهیم تا مسئله امر به معروف و نهی از منکر برای ما روشن بشود.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین